

گفت‌و‌گو با مهدی هاشمی

داوری نمی‌کنم



بهناز شیربانی

چند هفته‌ای از پخش فصل دوم مجموعه «دردسرهای عظیم» می‌گذرد؛ سریالی که نظرات متفاوتی به همراه داشت. عده‌ای معتقد بودند نیازی به ادامه‌دارشدن سریال در فصل دوم نبود و اساساً فیلم‌نامه ظرفیت فصل اولش خلاصه شود، اما دست‌اندرکاران ساخت این سریال ترجیح دادند سریال را در فصل دوم ادامه دهند. ظاهراً فصل دوم از نظر مردم قابل‌اعتنا بوده است این را آمارهایی که صداوسیما رسانه‌ای می‌کند، می‌گوید باین حال، این سریال برخی از نکات مثبتش را در فصل دوم از دست داد ازجمله حضور خوب مهدی هاشمی که در فصل اول بازی پررنگ و مؤثری داشت و در فصل دوم این حضور بسیار کم‌رنگ و حاشیه‌ای بود. مهدی هاشمی بازیگر کهنه‌کاری است که عمدتاً وسواس خاصی برای انتخاب آثارش دارد و اگر به سمت تلویزیون می‌آید، در سریال‌هایی بازی می‌کند که در ذهن مردم ماندگار می‌شود همچنان‌که سریال «روزگار غریب» جدا از کارگردانی خوب کیانوش عیاری، با بازی درخشان مهدی هاشمی در ذهن مردم ماندگار شده است. اما گاهی ممکن است ملاک‌های انتخاب برای بازیگر سختگیری مثل مهدی هاشمی نیز تغییر کند. مهدی هاشمی در گفت‌وگو با ما از روزهای قبل از تصویربرداری سری دوم سریال «دردسرهای عظیم» گفت؛ اینکه بین او و عوامل سازنده سریال چه گذشته است و چه اتفاقاتی او را مجاب کرد که پاسخ مثبت به حضور در این سریال دهد. هرچند دراین‌میان از انتخاب‌های سال‌های اخیرش در تلویزیون و سینما هم صحبت کرد و اینکه او همچنان ایده‌آل‌هایش را حفظ کرده است اما شرایط گاهی باعث می‌شود تا در لحظه‌ای بهترین تصمیم را بگیرد. با مهدی هاشمی به بهانه تازه‌ترین حضورش در تلویزیون، گپ‌وگفتی داشتیم که شما را به خواندن آن دعوت می‌کنیم:

✎ تصویری کردم در سری دوم «دردسرهای عظیم» یا اتفاقات جالب‌تری مواجه شومیم یا دست‌کم کیفیت سریال به‌مراتب بهتر از فصل قبل باشد که متأسفانه این‌طور نبود. بیش از هر چیز، حضور کوتاه و کم‌رنگ شما برایم سؤال‌برانگیز بود که آیا بر حسب شرایط فیلم‌نامه نقشی که در فصل اول برای مردم بسیار جذاب بود و با بازی خوبی که از شما دیدیم، محدودتر شده است یا اینکه خواسته خودتان بود. چون شما همیشه در فیلم‌ها و سریال‌ها در مرکز داستان قرار می‌گیرید با آن تیرازی که برای تماشاگر توقع ایجاد می‌کند، گفتم‌تکند با این بازار بد سینما، اسمتان را سه ماه به قیمت خوبی به تلویزیون اجاره دادید؟ (خنده) این‌طور نیست. قبل‌ترها می‌گفتند طرف خودش را فروخته، باز خوب است که شما می‌گویید اسمش را اجاره داده. من نقش‌های کوتاه هم بازی کرده‌ام. همین فیلم «قصه‌ها»ی خانم رخشان بنی‌اعتماد یا حدود ۳۰ سال پیش سریال «کوچک جنگلی» بهروز افخمی، در نقش دکتر شحمت تقریباً در حاشیه بودم.

✎ «قصه‌ها» چند فیلم کوتاه پشت سر هم بودند که همه همین قدر حضور داشتند و نقش دکتر شحمت یک‌ی از مؤثرترین نقش‌های زندگی شماست؛ به‌ویژه صحنه اعدام دکتر...

بازی در سریال‌هایی نظیر «کوچک جنگلی»، «روزگار غریب»، «رقص پرواز»، «سلطان و شبان» و نقش‌هایی از این‌دست، جزء بازی‌های سخت من است. هرکدام از آنها مقدماتی داشتند. چند سال وقت صرف ساختشان شده و نویسندگان خوبی سر فرصت آنها را نوشتند و کارگردان‌های بزرگی پشت کار بوده و تاریخی بودند و خرجشان هم کم نبود گرچه مجموعه شش قسمتی و کم‌خرج «هزاران چشم» به نویسندگی و کارگردانی کیانوش عیاری که تاریخی هم نبود و هر قسمت به اندازه یک فیلم سینمایی بود، چهار ماهه ساخته شد که شاهکارهایی بودند. هیچ‌کدام از آنها مناسبتی نبودند. سریال‌های مناسبتی فرق می‌کنند. می‌گویند طرف سه ماه باید ۲۶ قسمت بسازید و نوشتن هم‌زمان با فیلم‌برداری انجام می‌گیرد. روشن است کیفیت زیر فشار و سرعت کمیت نت‌ها پایین می‌آید، بلکه گاهی له و لورده می‌شود.

✎ فکر نمی‌کنید بازی در این‌گونه کارها به شخصیت هنری‌تان لطمه بزند؟

تکرارش چیرا. دراین‌باره فکر می‌کنم ولی خیلی دریندش نیستم. حرفه‌ای نگاه می‌کنم. راستش من کارهای عامه‌پسند تلویزیون را هم دوست دارم؛ راحت‌الحلقومی برای تماشاگر و بازی تفریح‌وار و نه‌چندان سختی برای بازیگر. برای من یک جور استراحت است. همیشه که نمی‌شود کارهای سخت کرد، کار هنری انجام داد و پول هم نگرفت.

✎ سرگرمی‌سازی هم برای خودش اصول و روش دارد و مهارت‌هایی در کار می‌طلبد که بلدی خاصی می‌خواهد. فیلم‌سازان اسمرورسم‌داری از سینما به تلویزیون آمدند و سریال‌های ضعیفی ساختند. وقتی فصل اول سریال «دردسرهای عظیم» را دیدم، خوشحال شدم. از نظر من سریالی بود که یک‌جور یکدستی در آن بود. سریع و حرکت طنزآمیز داستان و درگیری و گرفتاری‌های شیرینش از ابتدا تا انتها پیش می‌رفت اما فصل دوم انگار ادامه آن نبود...

من سعی می‌کنم داوری نکنم و نظر ندهم تا مبادا باعث دلخوری همکارانم شوم. در مصاحبه‌ای در ابتدای فیلم‌برداری، به‌شوخی گفته بودم دوستان نویسنده به علت وقت کم و سریع‌نوشتن که اگر یک روز نویسنده، یک روز فیلم‌برداری عقب می‌افتد و همیشه کارگردان منتظر نوشته‌ای برای روز بعد است، مجبورند به صحنه کمی آب بینند تا یک جمله با یک معنی، سه جور گفته شود و توضیح واضحات و تکرار صحنه‌های شبیه هم جای گفت‌وگوی واقعی و پیش‌رفت طبیعی داستان را بگیرد که دوستان کمی مکدر شدند. در حالی که همه می‌دانند دوستان نویسنده، به‌ویژه آقای علیرضا کاظمی‌پور، از بهترین و خلاق‌ترین نویسندگان سریال‌ها هستند. منظور من این بود وقتی همه چیز قرار است با سرعت بی‌وقفه‌ای انجام گیرد تا کار به‌موقع به مناسبت مربوطه‌اش برسد، امکان انحراف مسیر داستان و کش آمدن داستان، چرپیدن حواسی به اصل و تکرارهای کوناگون، پیش می‌آید.

✎ شما می‌دانستید در قسمت دو، حضور چندان‌ی ندارید؟

وقتی آقای مهام قصه را برابیم تعریف کرد دیدم نسبت به فصل اول که یک داستان اصلی محوری داشت، در فصل دوم چند قصه دنبال می‌شود. وسط یک زندگی طنزآمیز و پر از کش‌وواکش‌های طولانی، ناگهان داستانی ترازیک



علیرضا کاظمی، نویسنده، رستمی، شرق

و غم‌انگیز شروع می‌شود و زمانی که من وارد می‌شوم، کار آگاهی‌گونه می‌شود. خب، این هم می‌تواند برای خودش سیکی باشد گرچه با قسمت یک همخوانی نداشته باشد. با خودم فکر کردم جایگاهی که در این سریال خواهم داشت در دوست ندارم. هر چند آقای مهام و همکارانم را دوست دارم و از بودن با آنها لذت می‌برم. یاد جمله نه‌چندان معروفی افتادم که می‌گوید (هیچ وقت در میزانشنی که دوست ندارید، قرار نگیرید چه در حرفه چه در زندگی) و با وجود به‌دکاری‌ای که داشتم، قید دستمزد خوب یا به قول شما کرایه اسمم را زدم و در یادداشتی به‌تهیه‌کننده و کارگردان رساندم بهتر است از خبر من بگذرد و دنبال بازیگر دیگری باشد که خدای‌ناکرده وسط کار جروبخت و دکورت پیش نیاید. برایشان آرزوی موفقیت کردم از خانه بیرون زدم، گوشی موبایلم را تا اطلاع ثانوی خاموش کردم که به کل خودم را دست‌کم یک هفته کم کرده باشم که یک ساعت نکشید. آقای مهام به طرز ناباورانه‌ای من را در ناکجاآبادی پیدا کرد که عقل جن هم نمی‌رسید البته این‌گونه چابک‌دستی‌ها را از ایشان- در سریال کاراکاهان که تهیه‌کنندگی مشترک با آقای ایرج محمدی داشت- در برخورد با کاراکاهان واقعی یا حتی مجرمان، دیده بودم.

✎ مجبور شدید بازی کنید؟

از یک پیگیری سریع و خواست شوق‌انگیز مهران چنان پشت‌ورو شدم و خندیدم که همان روز با فردایش قرارداد را امضا کردم.

✎ پس دوستی و سابقه همکاری‌های خوب با ایشان را بر حساسیت‌های هنری خود ترجیح دادید. من انسان کم‌وبیش باسپاسی هستم. این پاسخ کوچکی به دوستی‌کردن‌های مهران بود. به‌ویژه که این‌بار در تهیه‌کنندگی دست‌تنتا بود و تسلیم شدم البته با شرایطی.

✎ چه شرایطی؟

که سریال در نیمه اول از من خالی نباشد. تا در نیمه دوم یکباره سروکله‌ام پیدا شود. آن هم شکسته‌وبسته‌با نویسنده‌ها صحبت کردیم. پیشنهادم این بود من از شهر ضربه خوردم و یک‌بار در فصل اول مُردم و زنده شدم، در گریز از شهر به کلبه‌ای پناه ببرم تا خودم را دوباره به دست آورم. اما می‌بینم آقای هم شهری‌ها دارند طبیعت را مثل شهر می‌کنند. دائم در حال خریدوفروش زمین و ملک هستند. دیوارهای زشت با بلوک می‌کشند. دعوا سر یک وجب زمین که به موازات قصه‌های شهری سریال در طبیعت هم داستان‌هایی رخ می‌دهد تا من از آنجا هم فراری شوم که در عمل به دلیل کمبود وقت انجام نشد و فقط بخش‌هایی از پیشنهادهایم در مورد نوع ارتباط با خانمی کلاهی‌ردار (سلماز غنی) کم‌وبیش اجرا شد که راضی‌کننده نبود.

✎ ناراضی‌هایتان را ابراز می‌کردید یا با صبوری تحمل کردید؟

خب به‌هرحال این چیزها روی اعصاب و روان آدم می‌رود. به‌خاطر پیشنهادم این بود من از شهر ضربه خوردم و یک‌بار در فصل اول مُردم و زنده شدم، در گریز از شهر به کلبه‌ای پناه ببرم تا خودم را دوباره به دست آورم. اما می‌بینم آقای هم شهری‌ها دارند طبیعت را مثل شهر می‌کنند. دائم در حال خریدوفروش زمین و ملک هستند. دیوارهای زشت با بلوک می‌کشند. دعوا سر یک وجب زمین که به موازات قصه‌های شهری سریال در طبیعت هم داستان‌هایی رخ می‌دهد تا من از آنجا هم فراری شوم که در عمل به دلیل کمبود وقت انجام نشد و فقط بخش‌هایی از پیشنهادهایم در مورد نوع ارتباط با خانمی کلاهی‌ردار (سلماز غنی) کم‌وبیش اجرا شد که راضی‌کننده نبود.

✎ ناراضی‌هایتان را ابراز می‌کردید یا با صبوری تحمل کردید؟

خب به‌هرحال این چیزها روی اعصاب و روان آدم می‌رود. به‌خاطر



علی فرهمند، نویسنده، رستمی، شرق

چهارشنبه ۲۱ مرداد ۱۳۹۴

شماره ۲۳۶۹ • ۱۰ صفحه

شرق روزنامه هنر

پنهان رانمی شودپنهان کرد؛ خوانش شعری ازگروس عبدالملکیان

سلفی‌های مکتوب؛ حاشیه‌ای بر اثر دیدرو

«ارباب سفید»؛ فیلمی درباره شورش سگ‌ها علیه انسان

عمق میدان

گزارشی از وضعیت قاچاق فیلم

سود ۷۵۰میلیاردی قاچاقچیان از سینما

محمد تاجیک؛ چندروز پیش تعدادی از مدیران سینمایی به‌همراه تعدادی از سینماگران و مسئولان انتظامی در مراسمی حضور یافتند که در آن از سه میلیون نسخه مکشوفه غیرمجاز آثار سینمایی و سمعی و بصری بازدید شد. در سال‌های اخیر در بسیاری از محافل سینمایی و رسانه‌ای از ورشکستگی سینمای ایران و فیلم‌های آن سخن گفته شده است. اتفاقاً در یکی، دو سال اخیر، دامن‌زدن به ورشکستگی سینمای ایران از سوی رسانه‌های یک جریان خاص بیشتر شده است. این در حالی است که فروش حاصل از اکران یک فیلم در سینماها تنها یکی از راه‌های درآمدزایی برای یک فیلم است. متأسفانه به دلایل مختلفی سینمای ایران برای درآمدزایی خود غیر از اکران عمومی در سینماها با مشکلات فراوانی مواجه است. شبکه قاچاق فیلم‌ها از جمله موانع بزرگ سینمای ایران برای رسیدن به وضعیت مطلوب اقتصادی است. همچنین عرضه غیرقانونی این فیلم‌ها در شبکه‌های ماهواره‌ای از دیگر معضلات مهم سینمای ایران است. این‌روزها قاچاقچیان فیلم و گردانندگان شبکه‌های ماهواره‌ای عملاً مهم‌ترین دشمنان سینمای ایران به‌خصوص بخش خصوصی سینمای ایران محسوب می‌شوند.

گردش مالی ۷۵۰میلیارد تومان

سیدجمال ساداتیان، تهیه‌کننده سینما، می‌گوید: گردش مالی شبکه قاچاق از عرضه غیرقانونی فیلم‌های ایرانی، سالانه ۷۵۰ میلیارد تومان است. ساداتیان در گفت‌وگو با گام نو می‌گوید: اگر ۲۰درصد از سود این شبکه قاچاق نصب فیلم‌های ایرانی شود، سینمای ایران نه‌تنها از وضعیت ورشکستگی خارج می‌شود بلکه به سودآوری بسیار خوبی خواهد رسید. او تأکید می‌کند: فروش سالانه سینمای ایران ۵۶ میلیارد تومان است درحالی‌که سود سالانه شبکه قاچاق از سینمای ایران سالانه ۷۵۰میلیارد تومان است. تهیه‌کننده فیلم «به رنگ ارغوان» تأکید می‌کند: از سویی دیگر بسیاری از شبکه‌های ماهواره‌ای به شکل غیرقانونی اقدام به نمایش فیلم‌های ایرانی می‌کنند. این در حالی است



که به نظر من اگر اهالی سینما با هم اتحاد داشته باشند، می‌توانند این معضل را هم حل کنند.او در ادامه حرف‌های جالبی می‌زند: «اگر به شکل تصادفی در یک بازه زمانی نیم‌ساعت‌های شبکه‌های ماهواره‌ای را رصد کنید، نزدیک به ۱۰ فیلم متنوع ایرانی را می‌بینید که از شبکه‌های ماهواره‌ای در حال پخش هستند بدون آنکه حق پخش این فیلم‌ها پرداخت شده باشد».

بروزهای جدید برای مبارزه با قاچاق

در سویی دیگر حجت‌الله ایوبی، رئیس سازمان سینمایی، در مراسم نابودی سعی‌دی‌های غیرمجاز سینمایی درباره انجام کارهای زیرساختی برای مقابله با قاچاق فیلم گفته است: پروژه «وی‌اودی» را در دستور کار داریم و حدود دو سال است که تلاش‌ها برای ایجاد زیرساخت‌های موردنظر در این‌باره انجام می‌شود و با تحقق این مهم شاهد ریشه‌کن‌شدن قاچاق فیلم و بازگشت سرمایه حاصل از عرضه فیلم‌ها در شبکه نمایش خانگی به تهیه‌کنندگان و مؤسسات ویدئورسانس خواهیم بود.

شکایت از شبکه‌های ماهواره‌ای

محمد نیک‌بین، تهیه‌کننده سینمای ایران، به «شرق» می‌گوید: تنها راه برخورد با نمایش غیرقانونی فیلم‌های ایرانی در شبکه‌های ماهواره‌ای این است که سازمان سینمایی به فیلم‌سازان کمک کند تا بتوانند از این شبکه‌های ماهواره‌ای شکایت کنند. سازمان سینمایی باید همه فیلم‌سازان را منسجم کند تا با گرفتن وکیل و پیگیری بسیار، مانع از نمایش غیرقانونی فیلم‌های ایرانی در شبکه‌های ماهواره‌ای شوند. او ادامه می‌دهد: به نظر می‌باید همه فیلم‌سازان در کنار هم بایستند و اقامه دعوی برای بسیاری از فیلم‌های ایرانی که به شکل غیرقانونی پخش می‌شوند انجام شود.

تعطیلی یک شبکه ماهواره‌ای به‌خاطر پخش غیرقانونی «دوزن»

محمد نیک‌بین توضیح می‌دهد که سال‌ها قبل و در زمان فیلم دو زن، یک شبکه ماهواره‌ای (ان‌آی‌وی) اقدام به پخش غیرقانونی فیلم دوزن می‌کند که با گرفتن وکیل و شکایت از این شبکه ماهواره‌ای در دادگاه‌های آمریکا، آن شبکه در نهایت تعطیل می‌شود. تهیه‌کننده فیلم آتش‌بس ۲ در ادامه می‌گوید: تهیه‌کنندگان سینمای ایران هزینه‌های بسیاری برای فیلم خود می‌کنند ولی در نهایت این شبکه‌های ماهواره‌ای هستند که بیشترین سود را می‌برند و بیشترین لذت را خواهند برد. نیک‌بین در ادامه می‌گوید که به‌عنوان یک تهیه‌کننده به‌تهایی توان و انرژی لازم را برای پیگیری این موضوع ندارم و این کار یعنی پیگیری پخش غیرقانونی فیلم‌ها از شبکه‌های ماهواره‌ای نیازمند حرکت منسجم تهیه‌کنندگان سینمای ایران است. تهیه‌کننده فیلم «تسویه‌حساب» معتقد است که باید حرکت منسجمی از سوی نهادهای انتظامی و قضائی و مسئولان سینمای ایران انجام شود تا برای همیشه معضل قاچاق فیلم‌ها از بین برود. هروقت که اراده قوی در این زمینه وجود داشته است، کنترل عرضه فیلم‌های قاچاق موفق بوده است.

نمای نزدیک

چند سطر درباره فیلم

«یحیی سکوت نکرد»

پُرگوویی «یحیی»‌ها

علی فرهمند

«یحیی» هشت‌ساله در انباری مخوف خانه عمه‌اش-بی‌توجه به اطرافیان- مشغول بازی است. او حتی حاضر نیست با پدرش (پدرش؟) خداحافظی کند. ساعتی بعد «یحیی» لباس عروسی کهنه عمه‌اش را بر تن می‌کند و از انباری بیرون می‌آید. میزانشن این صحنه طوری طراحی شده که نحسی «یحیی» را به مخاطب القا می‌کند. حالا به صحنه قبل‌تر (صحنه نخست) برمی‌گردیم: پلیس، عمه «یحیی» را دستگیر کرده و دستبندبه‌دست او را سوار ماشین می‌کند. دوربین می‌چرخد و نمای بسته‌ای از «یحیی» را نشان می‌دهد. بلافاصله عنوان فیلم بر پرده نقش می‌بندد: «یحیی سکوت نکرد». بعد از گذشت این دو صحنه می‌توان تمام آنچه قرار است در طول فیلم رخ دهد را پیش‌بینی کرد: حضور «یحیی» باعث برهم‌ریختن شرایط عادی و دستگیری عمه‌اش خواهد شد. این دو صحنه تمام آن چیزی است که در فیلم اتفاق می‌افتد و کارگردان تنها در همین دو صحنه ابتدایی عملکرد خوبی داشته است. داستان حدوداً در ۱۰ دقیقه نخست لو می‌رود و آنچه باقی می‌ماند، صحنه‌هایی بی‌هدف و بیهوده است تا به هر طریقی که شده، ایده یک فیلم کوتاه به یک فیلم بلند تبدیل شود. تنها سؤالی که پس از گذشت این دو صحنه باقی می‌ماند، این است که جرم عمه «یحیی» چه بوده است که به این سؤال هم در دقیقه بیستم فیلم پاسخ داده می‌شود و دیگر هیچ سؤالی باقی نمی‌ماند. البته سؤال‌هایی هم وجود دارد که هیچ‌گاه به آنها پاسخی داده نمی‌شود؛ مثلاً اینکه پدر «یحیی» کجاست؟ مادر «یحیی» چرا مرده و چگونه مرگی داشته است؟ (در فیلم فقط یک بار درباره مرگ مادر می‌شنویم که قانع‌کننده نیست)، رابطه «اردکانی» با عمه چگونه رابطه‌ای بوده؟ و ...

اینها سؤالاتی هستند که احتمالاً خود فیلم‌نامه‌نویس هم از پاسخشان مطلع نبوده و تنها از طریق «ایجاد ابهام» سعی داشته یک فیلم‌نامه بلند بنویسد. در واقع مرور صحنه‌های فیلم، بیشتر و بیشتر مخاطب را به بی‌هدفی‌شان هدایت می‌کند. فصل «اسکوتر» بازی «یحیی» را به خاطر بیاورید. «یحیی» تنها پس از چند روز دوری از پدرش، سرخوش و آزاد در خیابان به بازی می‌پردازد و بی‌خیال از همه چیز و قشش را به بطالت می‌گذراند. باقی

صحنه‌های فیلم هم حال «یحیی» را دارند و بی‌خیال و بی‌توجه به پیشبرد پیرنگ داستان روایت می‌شوند. این مشکل هم تنها مشکل «یحیی سکوت نکرد» نیست؛ مشکل اغلب افرادی است که سرگردان میان درام کلاسیک و مدرن مانده‌اند و نه نگارش اولی را می‌دانند و نه رویکرد دومی را. ممکن است طرح کلی چابک عمل می‌کنند و همه چیز را در کادر خوب تدوین می‌کنند؛ اما مشکلش جریان و اتفاق نوی اتفاق نیفتد و سریال‌ها برای سلیقه‌های پایین ساخته نشود.

✎ با بروز نیک‌نژاد راحت بودید؟

برزو نیک‌نژاد جوان بااستعدادی است کار دکوپاژ و صحنه‌پردازی‌اش روان و راحت است. چابک عمل می‌کنند و همه چیز را در کادر خوب تدوین می‌کنند. تنها مشکلش جریان و اتفاق نوی اتفاق نیفتد و سریال‌ها برای سلیقه‌های پایین ساخته نشود.

از همه همکارانم.